

به تحلیل عوامل تورمزا در اقتصاد ایران پرداخت

سیاست‌های پولی و مالی در جایگاه متهم



در آخرین گزارش‌های بانک مرکزی منتشر شده تایید شده در پایان بهمن سال ۹۹ بیش از ۳۹ درصد بر نرخ تورم افزوده شده است. شواهد دیگر هم نشان می‌دهد تقریباً تمام نقدینگی ایجاد شده در سال‌های اخیر لااقل تا آذر ۹۸ نتوانست در بازار دارایی‌ها تکانه‌ای ایجاد کند و همه آن در نرخ تورم مصرف‌کننده تخلیه شده است

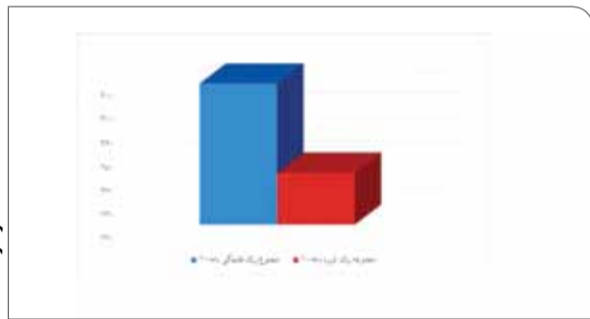
پولی و مالی دولت نیست بلکه عدم تعادل‌های اساسی در نظام اقتصادی است که رشد عرضه پول را به دنبال دارد. به‌طور کلی در مطالعات اقتصادی تورم با استفاده از ۳ نظریه مورد بحث قرار می‌گیرد: تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه‌های تولید و تورم ناشی از عوامل نهادی و ساختاری.

به ایجاد تورم بالا می‌شود و میزان تورم بالا نیز نمی‌تواند به مدت طولانی بدون میزان بالای رشد پول ادامه یابد. از سوی دیگر اقتصاددانان ساختارگرا ریشه‌های تورم را در ضعف بخش‌های کشاورزی و تجارت خارجی یا کاهش درآمدی اندک سیستم مالیاتی می‌دانند. براساس این دیدگاه علت اصلی تورم سیاست‌آرادی

در مقابل هوداران مکتب جان مینارد کینز فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل را علت اساسی تورم عنوان کرده و معتقدند علت اصلی افزایش تقاضا را باید در دو بخش پول و کالا جست‌وجو کرد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. این امر به آن معناست که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد، منجر

از نگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک تورم مسئله بسیار ساده و کم اهمیتی است، زیرا این گروه براساس نظریه مقداری پول و باتوجه به ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول معتقدند اگر مقامات پولی تنها میزان رشد عرضه پول را کنترل کنند، تورم به‌عنوان یک معضل اقتصادی بروز نخواهد کرد.

نقدینگی چگونه باعث تورم می‌شود؟



نمودارها: هاشمی

رشد نقدینگی هم شتاب کمتری می‌گیرد. در ادبیات اقتصادی گفته می‌شود نرخ رشد نقدینگی باید مجموع نرخ تورم و رشد اقتصادی باشد، با این حال سال‌هایی در دهه ۹۰ باوجود رشد منفی اقتصاد نرخ رشد نقدینگی حتی از نرخ تورم هم بیشتر شد. این امر در سال‌های بعد می‌تواند تورم بالایی را به ارمان بیاورد. در مجموع کل سال‌های دهه ۹۰ نقدینگی ۲۷۹ درصد و تورم ۲۴۱.۶ درصد رشد کرد. به این ترتیب سالانه حدود ۴ درصد بیش از نرخ تورم بر نقدینگی کشور افزوده می‌شد، این در حالی است که مجموع رشد اقتصادی کل دهه ۹۰، منهای سال ۹۹ که هنوز اعلام نشده، کمتر از ۲ درصد بوده است؛ بنابراین این رقم پولی بر قدرت بوده که باتوجه به ضریب فزاینده ۷ درصدی در اقتصاد کشور تأثیری ۷ برابر بر نرخ تورم کشور گذاشته است.

تورم همچنان رشد قابل‌ملاحظه‌ای در کشور دارد. در آخرین گزارش‌های بانک مرکزی منتشر کرده تایید شده در پایان بهمن سال ۹۹ بیش از ۳۹ درصد بر نرخ تورم افزوده شده است. شواهد دیگر هم نشان می‌دهد تقریباً تمام نقدینگی ایجاد شده در سال‌های اخیر لااقل تا آذر ۹۸ نتوانست در بازار دارایی‌ها تکانه‌ای ایجاد کند و همه آن در نرخ تورم مصرف‌کننده تخلیه شده است. برای مثال در حالی که میزان افزایش نقدینگی کشور تا پایان بهمن سال گذشته ۳۹.۱ درصد بود نرخ تورم اعلام شده هم ۳۶.۴ درصد بوده که نشان می‌دهد چگونه نقدینگی حاصل شده بیشترین تأثیر خود را بر نرخ مصرف‌کننده گذاشته است. همان طور که در نمودار هم مشاهده می‌شود میان نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی همبستگی فراوانی وجود دارد. یعنی اغلب در سال‌هایی که نرخ تورم کم باشد،

سیاست‌های پولی و مالی بر تغییرات مستمر شاخص نرخ یا سطح عمومی قیمت‌ها موثر هستند. مثلاً سیاست مالی که منجر به کسری بودجه شود، بسته به روش تأمین کسری بودجه می‌تواند شاخص قیمت‌ها در طول یک سال یا حتی سال‌های پس از آن را به‌طور مستمر افزایش داده و در نتیجه پیامدهای تورمی داشته باشد. همچنین رشد نقدینگی می‌تواند تورم را تا چندین سال تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عنوان مثال نقدینگی افزایش‌یافته در سال‌های قبل، با تغییر در ترکیب آن در سال‌های بعد، می‌تواند منجر به تورم شود. عوامل بلندمدتی مانند کسری بودجه مزمن دولت و ناترازی حساب بانک‌ها موجب افزایش دائمی سطح عمومی قیمت‌ها و تورم مزمن در اقتصاد ایران شده است. نقدینگی به‌عنوان مهم‌ترین مولفه تعیین‌کننده نرخ

عوامل موثر بر نرخ تورم

این گونه جوامع که بیشتر در سرورس‌دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند و گسترش بی‌رویه و شدید شهرنشینی و رشد جمعیت اشاره کرد.

مطالعات فراوانی در کشور در توضیح پدیده تورم انجام شده که بیشتر این مطالعات تورم را پدیده‌ای پولی در نظر می‌گیرند و علت اصلی تورم در ایران را به رشد نقدینگی نسبت می‌دهند، به همین دلیل در بیشتر زمان‌ها به دولت توصیه می‌شود نقدینگی و به تبع آن پایه پولی را کنترل کند. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که اگر بخواهیم تورم را صرفاً در چارچوب نظریه پولی تحلیل کنیم تنها علت تورم، نقدینگی است و تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، تورم‌های ناشی از شوک‌درمانی‌ها، قدرت قیمت‌گذاری و لخواه و نقش تضادهای توزیعی موضوعیت خود را از دست می‌دهد. به لحاظ نظری وقتی تورم انحصاراً در افزایش نقدینگی صرف تحلیل و ریشه‌یابی می‌شود کهپول در اقتصاد به‌طور کامل فعال باشد، سرعت گردش پول ثابت باشد و تابع تقاضای پول تابعی ثابت باشد.

در اقتصاد ایران این ایده که تأثیر افزایش دائمی قیمت‌های کلیدی اگر با افزایش نقدینگی همراه نباشد تأثیری بر تورم ندارد، جای بحث دارد؛ به‌ویژه اگر این افزایش قیمت‌ها به‌گونه‌ای باشد که هزینه‌های تولید به‌شدت افزایش یابد و عوامل قیمت‌گذار دلخواه پس از شوک‌درمانی‌ها و شکل‌گیری فضای تورمی، قیمت‌های بخش خود را بالا ببرند. ممکن است وقتی سیاست‌های شوک‌درمانی در اقتصاد اجرا می‌شود سرعت گردش پول و وجود پول منفعل در اقتصاد، مجال بروز تورم‌های بالا را فراهم کند؛ حتی اگر پول جدیدی خلق نشود، اما معمولاً باید با بروز تورم، پول منفعل هم خلق شود.

در تورم ناشی از تقاضای فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل علت اصلی تورم عنوان می‌شود. مثلاً در بازار کالا افزایش مخارج مصرفی مستقل، افزایش سرمایه‌گذاری مستقل و عواملی از این دست منجر به بروز اضافه تقاضا و ایجاد تورم می‌شود. این تورم ناشی از فشار هزینه‌های تولید نیز به افزایش هزینه‌های تولید چون افزایش نرخ مواد اولیه یا افزایش حقوق و دستمزد نسبت داده می‌شود. مثال بارز این نوع تورم را می‌توان در کشورهای صنعتی پس از افزایش نرخ نفت در دهه ۷۰ میلادی مشاهده کرد.

تورم ساختاری به آن معنی است که به‌دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست تورم بروز کرده و مداوم می‌یابد. در واقع این نوع تورم باوجود اینکه در نهایت خود را به‌صورت تورم فشار تقاضا و هزینه نشان می‌دهد یک توضیح ساده ندارد، بلکه عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. تورم ساختاری بیشتر در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه رخ می‌دهد. نکته مهم آن است که اگر تورم در کشورهای توسعه‌یافته با یکاگیری سیاست‌های پولی و مالی انقباضی تا حد زیادی قابل درمان و کنترل است، درباره تورم ساختاری در کشورهای در حال توسعه چنین نیست و استفاده از سیاست‌های پولی و مالی به‌منظور مقابله با تورم ممکن است چندان کارساز نباشد.

در توضیح تورم ساختاری به عواملی از قبیل کمبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و ضعیف بودن بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم و در حال گسترش دولت، گسترده‌گی بخش خدمات نامتناسب با نیاز

نقش کسری بودجه در تورم

بیش از ۳۶ درصد بوده، در نظر داشته باشیم رشد ۱۸ درصدی نسبت به عملکرد بودجه ۹۸ نشان‌دهنده انبساطی بسته شدن بودجه است. اقتصاد ایران به لحاظ درآمدها در یک وضعیت تعادلی پایین‌تر از تعادل قبلی قرار دارد. درآمدهای نفتی کاهش یافته و رشد نامناسب تولید ناخالص داخلی در سال‌های متوالی سبب شده دستیابی به سطح درآمدهای سال ۹۰ فعلاً ناممکن باشد، به همین دلیل با اینکه بودجه نسبت به سال قبل به قیمت‌های حقیقی رشد نکرده، باز هم دچار کسری بودجه می‌شویم. بخشی از این کسری اجتناب‌ناپذیر است زیرا هزینه‌های جاری دولت در بسیاری از بخش‌ها قابلیت کاهش ندارد و اراده ویژه‌ای نیز برای شفاف‌سازی و کنترل هزینه‌های مازاد دولت مشاهده نمی‌شود؛ از این رو یک کسری بودجه پایدار برای اقتصاد ایران در سال‌های آینده متصور است.

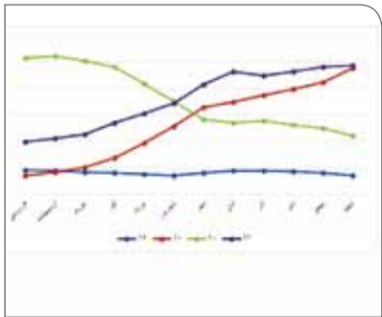
دولت برای تأمین این کسری بودجه علاوه بر کاهش هزینه‌ها که می‌تواند از میزان کسری بودجه بکاهد نیازمند یافتن منابع درآمدی پایدار نیز هست. تصویب پایه‌های جدید مالیاتی و کاهش معافیت‌های مالیاتی از جمله راهکارهای ایجاد منابع درآمدی پایدار برای دولت است. در غیاب این رویکرد، بخشی از کسری بودجه دولت از محل منابع بانک مرکزی به‌طور مستقیم تأمین خواهد شد که این امر اثرات تورمی فراوانی خواهد داشت؛ بنابراین آنچه به‌طور مشخص رابطه میان بودجه و تورم را تعیین می‌کند برآوردها از میزان کسری آشکار و پنهان بودجه و نحوه تأمین کسری بودجه است.

در سال گذشته شیوع کرونا و اقدامات لازم برای کنترل آن کسری بودجه دولت را بیش از پیش افزایش داد. در سمت منابع، کاهش شدید نرخ نفت، درآمدهای نفتی دولت را در بهترین حالت روی حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان قرار می‌دهد که نسبت به مبالغ پیش‌بینی شده در بودجه سال حدود ۷۰ درصد کاهش یافته است. همچنین رکود اقتصادی ناشی از کرونا درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد. گرچه هنوز آمار مشخصی از میزان کسری بودجه کشور در سال گذشته منتشر نشده اما شنیده‌ها نشان می‌دهد رقمی حدود ۱۸۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دولت خواهد بود.

افزایش شتاب تورم در سال‌های ۹۷ و ۹۹

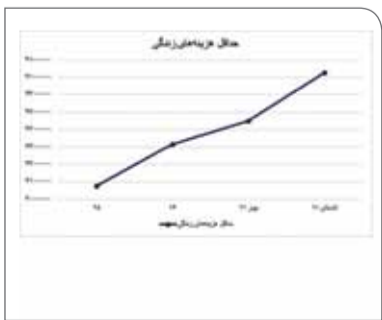
هم بیشتر بود، این در حالی است که در بحران‌های ناشی از تحریم‌های ایران در ابتدای دهه ۹۰ نرخ تورم نقطه‌ای نه‌تنها به ۵۰ درصد هم نرسید، بلکه همواره کمتر از ۴۵ درصد بود. به این ترتیب رکوردشکنی‌های بی‌سابقه‌ای در آغاز سال ۹۸ در عرصه نرخ تورم به‌دست آمد. در بقیه سال ۹۸ روند تورم کاهنده شد و کار به جایی رسید که نرخ تورم نقطه‌ای تا حدود ۲۰ درصد کاهش پیدا کرد.

در سال ۹۹ همه چیز مشابه سال ۹۷ شد؛ در حالی که در آغاز سال، تورم نقطه‌ای کمتر از ۲۰ درصد بود، به‌تدریج هر ماه بر میزان تورم نقطه‌ای کشور افزوده شد؛ به‌نحوی که از میانه پاییز تا پایان همان سال نرخ تورم در کشور همواره بیش از ۴۵ درصد بوده است.



نیز نرخ تورم نقطه‌ای به ارقام بی‌سابقه‌ای برسد. در ۳ ماه اول سال ۹۸ نرخ تورم نقطه‌ای کشور از ۵۰ درصد

آخرین برآوردها از خط فقر



براساس برآوردهای این مرکز در تابستان ۹۷ تمام خانوارهایی که در پایتخت ساکن بودند و درآمدی کمتر از ۲ میلیون و ۲۲۸ هزار تومان در ماه داشتند، جزو فقرا محسوب می‌شدند. باید توجه داشت در

باوجود اهمیت زیاد محاسبه خط فقر و شناسایی ویژگی‌های گروه‌های فقیر هیچ نهاد رسمی در کشور، خط فقر را به‌طور عمومی منتشر نکرده و محاسبات صورت گرفته حول این متغیر معمولاً به‌صورت درون‌دستی یا مطالعات آکادمیک و مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی انجام شده است. نقطه ضعف این نوع محاسبات این است که در طول زمان پیگیری نمی‌شود و باتوجه به پایه‌های متفاوت محاسبات در هر مطالعه‌ای، نتایج آنها قابلیت مقایسه با یکدیگر را ندارد. با این حال مرکز پژوهش‌های مجلس در اوایل سال ۹۸ برآوردی از خط فقر کشور در سال ۹۷ ارائه داد. این مرکز وعده داده بود که تهیه و انتشار خط فقر را به‌صورت دوره‌ای در دستور کار خود قرار دهد اما در عمل به این وعده کوتاهی شده و به هر دلیلی گزارش دیگری در این زمینه منتشر نگردند.